

# درس دوم یازدهم مشترک / درس سوم یازدهم انسانی

أسلوب الشرط

معصومه عشیری



## اسلوب شرط

اسلوب شرط بر دو جزء استوار است. یک جزء به منزله سبب است و دیگری به منزله مسبب. دومی هنگامی تحقق می یابد که اولی محقق شود. هیچکدام از دو جمله بدون دیگری، استقلال ندارند. جمله اولی جمله شرط و دومی جواب شرط یا جزاء نامیده می شود.

و من یقاتلْ فی سبیل اللّٰه ... فسوف نُؤتیهِ أَجراً عظیمًا. (و هر کس، در راه خدا، بجنگد... به او پاداشی بزرگ، خواهیم داد.

مَنْ : أدوات «اسم» شرط      یقاتل : فعل شرط      سوف نُؤتی : جواب شرط

**نکته:** «برای مطالعه» گاهی اوقات جواب شرط مسبب نیست یعنی تحقق دومی وابسته به اولی نیست بلکه برای خیر دادن، آمده است.

و ما تفعلوا مِنْ خیرٍ فَإِنَّ اللّٰهَ کانَ بِهِ عَلِیمًا. و هر آنچه از خیر انجام دهید، خداوند به آن آگاه است.

در این عبارت بخش دوم نتیجه ی بخش اول نیست .



اسلوب شرط از سه جزء تشکیل می شود:

۱- ادوات شرط

۲- فعل شرط

۳- جواب شرط

ادوات شرط به دو دسته تقسیم می شوند: ۱- اِنْ

مَنْ      ما

۲- اِذَا

«از بین چهار کلمه ی بالا ، اِنْ حرف شرط و بقیه اسمهای شرط هستند که مجموعاً به آنها ادوات شرط گویند»

معانی ادوات شرط:

مَنْ «هرکسی/هر کس/کسی که ...»

ما «هر چه /هر آنچه / آنچه و ...»

اِنْ: «اگر»

اِذَا: «هرگاه / اگر»

نکته: هر گاه ادوات شرط قبل از فعل مضارع بیایند «فعل شرط / جواب شرط» هر دو، فعل و جواب شرط مجزوم می شوند.

**نکته:** دسته اول أدوات شرط «إن / من / ما» عملکردی همچون فعل امر دارند و حرف آخر فعل مضارع را تغییر می دهند

که اصطلاحاً مجزوم گفته می شود.

« فعل مضارعی که فعل شرط یا جواب شرط واقع شده است ، مجزوم می شود .»

آخر فعل مضارع به دو صورت است : «برای مطالعه»

الف: حرکت دارد یذهبُ تذهبُ أذهبُ نذهبُ

ب: نون و حرکتِ نون را دارد: یذهبانِ تذهبانِ یذهبونَ تذهبونَ تذهبینَ

تغییرات فعلهای بخش الف بعد از مجزوم شدن: یذهبُ تذهبُ أذهبُ نذهبُ

تغییرات فعلهای بخش ب بعد از مجزوم شدن: یذهبوا تذهبوا یذهبونَ تذهبونَ تذهبینَ

نکته: صیغه های للغائبات «یذهبنَ» و «تذهبنَ» ، به هنگام مجزوم شدن، تغییری نمی کنند. « إن تجتهدن تنجحن.»

۱- إن تصبرُ تنجحُ      ۲- من یجتهدُ یفُزُ      ۳- ما تفعلوا ..... یعلمه الله      ۴- إن یجتهدنَ ینصرنَ



## ویژگی ادوات شرط:

**۱- مَن :** برای انسان و غیره کاربرد دارد. ( برای اشیاء نیست )

**۲- ما :** غالباً برای غیر عاقل «غیر انسان» به کار می رود.

**۳- اِن :** از نظر مفهوم تنها حرف شرطی که معادل شرط فارسی « اگر » می باشد ، حرف « اِن » است .

**نکته:** اگر فعل شرط ، بعد از حرف « اِن شرطیه » ، منفی باشد، در این صورت حرفِ « اِن » با حرف « لا » ادغام می شود و به این صورت نوشته می شود.  
اِنْ + لا تنصروه فقد نصره الله... ← اِلَّا تنصروه فقد نصره الله....  
اگر او را یاری نکنید، خداوند او را یاری کرده است.

« برای مطالعه » حرف اِن وقتی به کار می رود که وقوع شرط مشکوک و گاهی محال باشد و خیلی به ندرت برای یقین به کار می رود :

اِن كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَاَنَا اَوَّلُ الْعَابِدِينَ. اگر برای خداوند، فرندی داشت پس من اولین پرستش کننده « او » بودم.



## ۴- إذا : إذا چند ویژگی دارد :

**الف:** غالباً فعل و جواب شرط در إذا، ماضی هستند زیرا إذا محقق الوقوع یا بسیار وقوع است و قبلاً اشاره شد که وقتی فعل و جواب شرط ماضی بیابند دلالت بر قطعیت و تحقق حتمی دارد. « برخلاف إن » « برای مطالعه »

**ب:** مفهوم آینده دارد «به صورت حال یا آینده ترجمه می شود»، با وجودی که فعل شرط و جواب آن ماضی است.

**ج-** إذا درست برعکس «إن» می باشد زیرا با آمدن « إن » ما دچار ظن و گمان هستیم ولی با «إذا» به وقوع آن حتم داریم.

**نکته:** به هنگام ترجمه فعل شرط و جواب شرط « إذا » می توان فعل شرط را اخباری و جواب را التزامی ترجمه کرد.  
و إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً. و هر گاه نادانان خطابشان می کنند، سخن آرام گویند. « برای مطالعه »





معانی ادوات شرط:

- ۱- مَنْ «هرکسی/هر کس/کسی که ...» ۲- ما «هر چه /هر آنچه / آنچه و ...» ۳- إِنْ: اگر  
۴- إِذَا: هرگاه / اگر

**نکته:** فعل شرط و جواب شرط غالباً مضارع است اما در پاره ای موارد که وقوع شرط حتمی است و به تحقق آن یقین داریم

می توان از فعل ماضی استفاده کرد. « مَنْ صَبَرَ ظَفَرَ » هر کس صبر کند موفق می شود.

در اینجا بر اساس تجربه و مشاهده می دانیم که هر کس صبر کند، موفق می شود. پس از نظر ما وقوعش حتمی است.

**نکته:** برای ترجمه ی فعل شرط مضارع غالباً از مضارع التزامی (به ندرت اخباری) استفاده می شود و برای ترجمه ی جواب شرطی که مضارع است از مضارع اخباری کمک می گیرند.

مَنْ يُفَكِّرْ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمْ مِنَ الْخَطَا. هر کس قبل از سخن گفتن، اندیشه کند، از خطا در امان می ماند.  
التزامی اخباری آینده

**نکته:** ادوات شرط غالباً زمان فعل و جواب شرط را مختص به آینده می کنند پس اگر جواب شرط به صورت مستقبل «آینده» ترجمه شود، صحیح است:  
من يفكر قبل الكلام يسلم من الخطأ. هر کس پیش از سخن گفتن اندیشه کند، از خطا در امان خواهد ماند.

**نکته:** فعل شرط و جواب شرط اگر ماضی باشند، غالباً به صورت مضارع ترجمه می شوند.

مَنْ صَبَرَ ظَفَرَ. هر کس صبر کند پیروز می شود.

در پاره ای مواقع، فعل و جواب شرط ماضی را می توان به صورت ماضی ترجمه کرد اما غالباً ترجمه ی آنها به صورت ماضی، زیبا نیست.

مَنْ صَبَرَ ظَفَرَ هر کس صبر کرد پیروز شد. بهتر است که فعل و جواب شرطی که ماضی هستند، را مضارع ترجمه کنیم.

**نکته:** هر گاه بعد از جواب شرط « اول مطمئن شوید جواب شرط را یافته اید»، یکی از حروف « و / ف / ثم » بیاید سپس فعلی بعد از این حروف بیاید آن فعل را جواب شرط محسوب نمی کنیم.

إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصِرْكُمْ وَ يَثْبِتْ أقدامكم. فعل ينصرُ جواب شرط است و يثبِتُ جواب شرط نیست.



**نکته:** « از شماره ۱ تا ۳ برای مطالعه» اگر جواب شرط مقرون به «لن/ قد / سد / سوف» باشد یا جواب شرط فعل امر یا نهی «طلب» باشد در اینصورت حرف «فَ» بر سر جواب شرط می آید.

۱- و ما یفعلوا مِن خیرٍ فلن یکفروه. « لن یکفروا جواب شرط»

۲- قالوا إن یسرق فقد سرقَ أخ له من قبل. « قد سرق جواب شرط»

۳- و إن خِفتم عیلةً فسوف یُغنیکم الله مِن فضله. « سوف یغنی جواب شرط»

**نکته مهم:** اگر جواب شرط، جمله اسمیه باشد حتما بر سر جواب، «فَ» می آید.

و من یتوکل علی الله فهو حسبه. « هو حسبه «جمله اسمیه» جواب شرط»

**نکته:** حرف « ف » را نیاز نیست به فارسی ترجمه کنیم.

و من یتوکل علی الله فهو حسبه. و هرکس به خداوند، توکل کند، او برایش، کافی است.

## أنواع مَنْ:

- ۱- من موصول که غالبا به معنای کسی که/کسانی که می باشد.
- ۲- من استفهام یا پرسشی مَنْ جاء؟ چه کسی آمد؟
- ۳- من موصول: إِحْتِرِمَ مَنْ هُوَ أَكْبَرُ مِنْكَ. به کسی که از تو بزرگتر است، احترام بگذار.

## أنواع ما:

- ۱- ما اسمیه : ما موصول/ ما شرط / ما استفهام / ما تعجب
  - ۲- ما حرفیّة: الف: ما نفی قبل از فعل ماضی      ب: ما در أنّما و إنّما      ج: ما نفی در ابتدای جملات اسمیه
- الف- ما نفی که غالبا قبل از ماضی می آید و معنای فعل را از مثبت به منفی تبدیل می کند. کتبتُ ما کتبتُ
- نکته: در پاره ای مواقع ما نفی قبل از مضارع نیز می آید: دواؤک فیک و ما تُبْصِرُ داروی تو در تو است و نمی بینی.

ب: در سال آینده با ( ما ) حرفیه دیگری آشنا می شوید که به ( إنّ یا أنّ ) وصل می شود.

ج- ما نفی حرفیّه که بر جمله اسمیه وارد می شود:  
و ما مِن دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَ..... و هیچ جنبنده ای در زمین نیست.....  
و ما الْحَيَاةَ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ و لَهْوٌ و زَنْدَقِي دُنْيَا نیست جز.....

ما اسمیّه:

الف: ما موصول که غالباً به معنای « آنچه » می باشد.

« له ما فِي السَّمَاوَاتِ و ما فِي الْأَرْضِ ». آنچه در آسمانها و زمین است از آنِ خداست.

ب: ما استفهام « ما أَقْسَامُ الْكَلِمَةِ؟ » اقسام کلمه چیست؟

ج: ما شرط « ما تَفْعَلُوا مِن خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ » هر آنچه از کار خیر انجام دهید، خدا آن را می داند.

تشخیص «من و ما موصول و شرط» به دلیل شباهتی که در ترجمه دارند، از طریق سیاق جمله امکان پذیر است زیرا من موصول هم گاهی وقتها در مفهوم شرط را بیان می کند و در اینصورت باید به تغییرات فعل شرط و جواب شرط نگاه کنیم اگر مجزوم شده باشند پس آن کلمه «من / ما» شرطیه می باشد.

### تفاوت مَن و ما موصول با مَن و ما شرط:

**الف:** من و ما شرط، آخرِ فعل را مجزوم می کنند اما من و ما موصول آخر فعل را تغییر نمی دهند.

من یبجتهدُ ینجحُ. هر کس تلاش کند موفق می شود. «من شرط»

من یجتهدُ ینجحُ. کسی که تلاش کند موفق می شود. «من موصول»

**ب:** بعضی وقتها من و ما موصول وسط جمله می آیند.

العاقلُ من یعتبرُ بالتَّجاربِ عاقل، کسی است که از تجربه ها، عبرت پذیرد.

له ما فی السَّمَاواتِ و ما فی الأرضِ. «من و ما شرط وسط جمله نمی آیند»

من و ما ( غیر حرفیّه ) اسمیه ، نقشهای مختلفی در جمله می پذیرند:  
**نکته: ما حرفیه ، نقشی ندارد زیرا حروف نقش پذیر نیستند.**

نقش من و ما شرطیه در جملات شرطیه: «از این بخش تا پایان تدریس برای مطالعه است و معمولا در کنکور مهم است»

**الف:** اگر فعل بعد از آنها لازم ( بدون مفعول ) باشد در اینصورت نقش مبتدا دارند.  
**من** صبر نجح . هر کسی صبر کند، موفق می شود.

**ب:** اگر فعل بعد از آنها متعدی باشد و مفعول آن فعل متعدی بعد از خودش بیاید، أدوات شرط ، نقش مبتدا دارند.

مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ . ( سوءا مفعول برای يعمل / من مبتدا )  
ما تَعْلَهُ مِنْ خَيْرِ فُلَانٍ يُضِيعُ بَيْنَ النَّاسِ . ( ه مفعول برای تفعل / ما مبتدا )



**ج:** اگر فعل بعد از آنها فعلی متعدی باشد و آن فعل متعدی ، مفعولی بعد از خود، نداشته باشد نقش مفعول را به آن کلمه «من / ما» می دهیم. « زیرا فعل متعدی نیاز به مفعول دارد»

و ما تفعّلوا من خیر یعلمه اللّهُ. «در این جمله فعل تقدّموا، نیاز به مفعول دارد و چون مفعول ندارد، «ما» مفعول آن است.» هر آنچه را از خیر، پیش بفرستید، خدا آن را می داند.

مَنْ تُعَلِّمُ سِیْنَجِح. «در این جمله فعل تُعَلِّمُ متعدی است و نیاز به مفعول دارد و مفعولی بعد از آن نیامده است پس «من» به عنوان مفعول این فعل انتخاب می شود.» هر کسی را که یاد می دهی، موفق خواهد شد.

**نکته:** نقش من و ما استفهام بستگی به پاسخ آنها دارد: ما هذا؟ هذا قلمٌ. ( قلم که در پاسخ «ما» آمده است، خبر است پس «ما» هم خبر است)

مَنْ عِنْدَكَ؟ أَخِي عِنْدِي. ( أَخِي در پاسخ سوال «من» آمده است و مبتدا است پس من هم مبتداست)

- عَيْنَ مَا لَيْسَ فِيهِ أُسْلُوبُ الشَّرْطِ: کنکور ۹۸ «تعیین کن آنچه را در آن اسلوب شرط، نیست»

(۱) مَنْ لَا يَتَدَخَّلُ فِي مَوْضِعٍ لَا يَرْتَبِطُ بِهِ يَعْمَلُ عَمَلًا عَقْلَانِيًّا!

هر کس (کسی که) در موضوعی که به او مرتبط نیست وارد نشود، کاری عاقلانه انجام می دهد.

(۲) مَنْ رَأَيْتَ مِنَ الْأَصْدِقَاءِ يَدْعُوكَ إِلَى الْخَيْرِ فَبَجِّلْهُ تَبَجُّيًّا!

هر کس (کسی که) از دوستانت را دیدی که تو را به خیر دعوت می کند، حتما او را بزرگ بدار.

(۳) مَنْ لَمْ يَقُلْ كَلًّا مَا عَلِمَ فَهُوَ يُبْعِدُ نَفْسَهُ عَنِ الْخَطَا!

هر کس (کسی که) هر آنچه را می داند، بگوید، خود را از خطا دور می کند.

(۴) مَنْ بُعِثَ لِيُتَمَّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ هُوَ النَّبِيُّ الْأَكْرَمُ!

کسی که برانگیخته شد تا فضیلت‌های اخلاق را کامل گرداند، او پیامبر اکرم «ص» است.

پاسخ: گزینه ۴

در گزینه ۴ اگر «من» را شرط محسوب کنیم، هو النَّبِيُّ، جمله اسمیه و جواب شرط است و بر

سرجواب شرط در این صورت، حتما حرف «ف» می آید.

عَيْن «ما» شرطية: كَنُكُور ٩٨ « ما شرطيه را تعين كن »

- (١) ما أظلمَ الإنسانَ في حياته للضعفاء!  
انسان در زندگی خود، نسبت به ضعیفان، چه ستمکار است.
- (٢) ما من طائرٍ إلا و له جناحان يطير بهما!  
هیچ پرنده ای نیست مگر اینکه دو بال دارد که به وسیله ی آنها، پرواز می کند.
- (٣) ما عندي وصفةٌ كتب الطَّبيبُ فيها الأدويةَ اللازمةَ لي!  
نسخه ای که پزشک در آن، داروهای لازم را برایم نوشت، ندارم.
- (٤) ما تعمل من خير في الدنیا تجد ثمرته في الآخرة!  
هر آنچه از خوبی در دنیا انجام دهی، میوه اش «حاصلش» را در آخرت می یابی.

پاسخ صحیح: گزینه ٤

در گزینه ١ ما أظلمَ بر وزن ما أفعلَ اسلوب تعجب است و نمونه ی این جمله را در جوار درس دوم کتاب دهم دیده ایم: ما أجمل غابات مازندران . جنگلهای مازندران چه زیبا هستند.  
در گزینه ٢ اسلوب «مامن» به معنای هیچ نیست می باشد و ما حرف نفی است.  
در گزینه ٣ «ما» حرف نفی است و همراه اسم آمده است .

- عین جواب الشرط یختلف نوعه عن الباقي: کنکور ۹۹ « تعیین کن جواب شرط که نوع آن با بقیه متفاوت است »
- (۱) إن تتركوا أداء واجباتكم المدرسية ترسبوا في نهاية السنة!  
اگر انجام تکالیف مدرسه را رها کنید، پایان سال مردود می شوید.
- (۲) إن نندم على أعمالنا السيئة نُغيّرُها بعد مدة بسهولة!  
اگر بر کارهای بد خود، پشیمان شویم آنها را مدتی بعد، به آسانی تغییر خواهیم داد.
- (۳) إن ينم طفلٌ صغيرٌ في الغرفة أتكلّم همساً!  
اگر کودکی خردسال، در اتاق بخوابد، با پیچ پیچ « درگوشی/مخفیانه » سخن خواهیم گفت.
- (۴) إن يقطع أحدٌ كلامَ الآخرين فهو قليلُ الأدب!  
اگر کسی، سخن دیگران را قطع کند، او بی ادب است.

پاسخ صحیح : گزینه ۴

در گزینه های ۱ تا ۳ جواب شرط به ترتیب، ترسبوا / نغیر و أتکلم می باشد و نوع جواب شرط فعل است اما در گزینه ۴ جواب شرط، هو قليل الأدب است و نوع جواب شرط، جمله اسمیه است